

چرا زنان باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت می‌کردند؟

آذر منصوری

از تاکیدات صریح بنیانگذار جمهوری اسلامی این بود که: «زنان باید شجاع باشند و در مقدرات اساسی مملکت دخالت داشته باشند.» روح‌الله خمینی را می‌توان یکی از مجتهدان مترقی دانست که به اقتضائات زمان و مکان توجه دقیق داشت. سیر تغییر نگاه او به حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان و ضرورت حضور زنان در عرصه عمومی در فضای پس از انقلاب مردمی ۵۸ حاکی از همین نگاه مترقیانه است. این تاکید او در کنار رفتارهایی از جمله همراه کردن زنده‌یاد مرضیه دباغ با هیاتی که برای دیدار با گورباچف رفت، (هیات سه نفره) حاکی از همین نگاه به جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان ایران است. اما آنها که گفتمان نوفل‌لوشاتو را در تقابل به اجزای فقه سنتی می‌دانستند از همان ابتدای انقلاب دست‌ها را بالا زدند و نه تنها حضور زنان در مقدرات عینیت نیافت، بلکه به رغم تاکید و تصریح قانون اساسی و به‌رغم رشد زنان در عرصه‌هایی مانند آموزش عالی، ورزش، هنر، نویسندگی و نشر و جامعه مدنی، مانع اقداماتی شدند که می‌توانست زمینه حضور زنان در مقدرات اساسی مملکت را فراهم کند. حضوری که از ضرورت‌های اصلی و جدی پیشرفت و توسعه همه‌جانبه کشور است. مخالفان این دیدگاه نه تنها اجازه ندادند زنان ایران در مقدرات اساسی مملکت دخالت کنند، بلکه با اصرار باعث گنجاندن تبصره‌ای ذیل قانون مجازات اسلامی شدند که به موجب آن زنانی که حجاب شرعی را رعایت نکنند، مستوجب مجازات می‌شوند. در حالی که خود واژه حجاب محدود به پوشش بدن نبوده و نیست و به مجموعه عوامل و رفتارهایی بر می‌گردد که باید از جامعه هدف (زنان) محافظت کند. با این توصیف اگر قرار بر حمایت و حفاظت از زنان بود، باید قوانینی تصویب می‌شد که به مجموعه تبعیض‌های موجود علیه زنان خاتمه داده شود و اگر این اتفاق افتاده بود، به‌طور قطع رتبه شکاف جنسیتی ایران بین پنج کشور آخر دنیا قرار نمی‌گرفت. طبعاً بدون آباد کردن مزرعه دنیای زنان ایران، آخرت آنها هم آباد نخواهد شد.

زنان ایران در طول این ۴۴ سال در بسیاری از مقدرات اساسی و مهم

کشور حضور نداشته‌اند. تنها وزیر زن ایران خانم دستجردی بود که به ناموجه‌ترین شکل ممکن از کار برکنار شد. زنان نه تنها در مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان حضور ندارند، بلکه در ۱۳ انتخابات ریاست جمهوری که پست سر گذاشته‌ایم، تاکنون حتی يك زن به عنوان رجل سياسي امکان حضور در رقابتهای انتخاباتی را نداشته است.

یقین دارم اگر این توصیه امام مبنای رویکردها و رفتارها و سیاست‌گذاری کشور قرار گرفته بود و با این رتبه جنسیتی مواجه نبودیم، هیچگاه موضوع پوشش زنان ایران به يك مناقشه تبدیل نمی‌شد. چرا که وقتی نظام برآمده از انقلاب ۵۷ به زنان فرصتهای برابر می‌داد و خاصه حضور آنها در مقدرات اساسی کشور يك ضرورت قلمداد می‌شد، موضوع پوشش اجباری زنان نیز فیصله پیدا می‌کرد.

تنها راه فیصله‌بخش این مناقشه در شرایط امروز ایران نیز تلاش جدی برای خاتمه دادن به تبعیضهای موجود علیه زنان ایران است و باز در همین راستا معتقدم با تداوم این شکاف جنسیتی اصرار بر هر گونه رفتار و رویکرد جرم‌انگارانه نسبت به پوشش نتیجه‌ای جز مقاومت بیشتر و شکاف بیشتر حاکمیت- ملت به دنبال نخواهد داشت.

منبع: روزنامه اعتماد 16 خرداد 1402 خورشیدی